

کیمیا

رفاه و آسایش در کنار آرامش و امنیت مهم‌ترین دغدغهٔ بشر است.البته هر انسانی آسایش و آرامش ابدی را می‌خواهد و آرامش و آسایش ناپایدار هر چند که لذت‌آفرین و خوشایند است، ولی ترس از دست رفتن، شیرینی آن را نمی‌گیرد. از این‌رو دوست می‌دارد تا به آرامش و آسایش پایا و مانا دست یابد. آسایش و آرامش در دنیایی که خودش ناپایدار و متغیر و پایان‌پذیر است، برای خرم‌ندان خوشایند نیست، چه رسد با توجه به محدودیت عمر، بدان دل خوش دارند. اما برای بسیاری از **توده‌های مردم دلخوشی به آرامش و آسایش هر چند کوتاه و زودگذر، امری مطلوب است. با این همه باید توجه داشت که رفاه و آسایش، همیشه رزنی و مثبت نیست، بلکه گاه امری بسیار ضد ارزشی و منفی خواهد بود.** نویسنده در **مطلب پیش‌رو تفاوت این دو نوع رفاه را تبیین کرده است.**

دولت‌ها و راهبردهای رفاهی

دولت‌ها ماموریت اصلی خود را همان دغدغه‌های اصلی بشر تعریف کرده اند، زیرا از مهم‌ترین اسباب اجتماعی گریزی انسان، تأمین آرامش و آسایشی است که در سایه اجتماع تحقق می‌یابد. از آنجا که انسان‌ها اجتماع را برای تحقق این دو هدف اصلی شکل می‌دهند،به همین قصد، دولت‌ها را ایجاد می‌کنند تا در شکل نظام‌مندتر و در سایه قوانین و مقررات کامل‌تر، آن هدف اصلی را برآورده سازند؛ زیرا خوشبختی خویش را در آن می‌دانند. امام صادق(ع) می‌فرماید: *ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ يُخَاجُ الثَّلَاثَ طَرًّا إِلَيْهَا الْإِثْمُ وَالْعُلْفُ وَالْخَصْبُ*؛ سه چیز است که همه مردم به آنها نیاز دارند: امنیت، عدالت و آسایش. (تحف العقول ص ۳۲۰) دولت‌ها نیز براساس اولویت‌بندی که انسان برای زندگی دارد، آرامش و آسایش را در سرلوحه وظایف و مسئولیت‌های خود تعریف می‌کنند؛ زیرا می‌دانند که برآوردن این دو نیاز بشری به معنای کارآمدی، مقبولیت و در نهایت مشروعیت سیاسی است، حتی اگر به زور شمشیر و سرنیزه و کودتا بر سر کار آمده باشند.

به سخن دیگر، دولت‌ها می‌دانند که برآورده کردن این دو نیاز برای اکثریت جامعه به معنای سه‌گانه اصلی: کارآمدی، مقبولیت و مشروعیت سیاسی است. لذا تمام همت خویش را مبدول تحقق آنها برای اکثریت جامعه می‌کنند حتی اگر اقلیتی به‌شدت سرکوب و از همه هستی خود ساقط شوند.

دولت‌ها اولین دغدغه خود را امنیت و تأمین آرامش جمعی و اجتماعی قرار می‌دهند و با هر گونه عاملی که امنیت جامعه را مخدوش می‌کند، به‌شدت برخورد می‌کنند. از این‌رو گاه نادیده گرفتن رفاه و آسایش برای تأمین امنیت امر یک طبیعی قلمداد می‌شود و افراد جامعه نیز آن را به سادگی می‌پذیرند. همین مسئله موجب شده که حتی دولت‌ها برسای توجیه برخی از رفتارهای ضد آزادی و مردم‌سالاری و حقوق بشری و کاهش رفاه و آسایش افراد جامعه، مسائل را به حوزه امنیت می‌کشانند و با امنیتی کردن فضای جامعه، رفتارهای خود را توجیه کرده و مشروعیت می‌بخشند. اما همتگانی که این تکریم دغدغه بشری برآورد شد، مردم خواهان تأمین دومین دغدغه طبیعی خود یعنی رفاه و آسایش می‌شوند

شبه: آیا این همه گریه و عزاداری برای امام حسین(ع) افراط نیست؟
پس تکلیف شادی و نشاط چه می‌شود؟

پاسخ: توسل به اهل‌بیت مخصوصاً گریه و عزاداری برای امام حسین(ع) از مواردی است که سفارش‌های زیاد در مورد آن در منابع دینی آمده است. از سویی شبهات و محلات زیادی را ایام عزاداری نسبت به گریه و عزاداری وارد می‌شود که یکی از آنها درخواست تبیین نسبت بین شادی و گریه و توسل است. برای روشن شدن این موضوع توجه به نکات زیر لازم است.

اسلام، موافق شادی‌های حلال

۱. بر ابتدا باید به صراحت بگوییم که اسلام موافق شادی است.قرآن در این ارتباط می‌فرماید: «هی پیمبر! به مؤمنان یگو که به دلیل کار گرفتن در دایره خود رِحمَت پروردگار شادماندندو چنین توفیقی را از آنچه تاکنون به دست آورده‌اند بهتر است.»^(۱) شادی‌های حلال بسیاری وجود دارند که اسلام نه‌تنها با آنها به مبارزه برخاسته، بلکه در بسیاری موارد، آنها را مورد تأیید نیز قرار داده است. روایتی از امام صادق(ع) بر این نکته تأکید دارد که شادی‌های حلال دنیایی می‌تواند کمکی برای رسیدن به شادی‌های معنوی باشد.ایشان به نقل از اندرزه‌ای حکیمانه آل‌لّود می‌فرماید: یک مسلمان اندیشمند، سزاوارده است که در حال انجام یکی از این سه کار باشد: زین به شادی و گردن گشتی اقتصادی و تأمین معاش باشد، یا برای آخرت خود توشه بردارد و یا به شادی‌هایی که حرام نیستند بپردازد و نیز هر مسلمان سزاوار است که بخشی از فرصت‌های خود را با پروردگار خویش خلوت کند و بخشی دیگر را با دوستانی بگذراند که او را به یاد آخرتش بیندازند و باقی‌مانده فرصت خویش را نیز به شادی‌های حلال بپردازد که این شادی‌ها کمکی برای او در انجام دو فعالیت قبلی خواهند بود^(۲).

شادی‌های غیر مجاز

۲. به برخی شادی‌ها جایز نیست، ولی باید دانست شادی‌هایی که در این‌گاه از غیرمجازند که اثر تسویر دارند، یا دیگرانه به یاد اندل داشته باشند.شادی‌های برگرفته از انواع ارتباطات جنسی نابودکننده بنیاد خانواده و اجتماع،شادی‌های ناشی از فقدان بخش‌هایی از سیستم هوشیاری بدن به دلیل مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر، شادی ناشی از اذیت و آزار دیگران در روابط اجتماعی (رانندگی

اگر رفاه و آسایش، انسان را از خدا دور کند و او را به خودش مشغول دارد، به عنوان عامل غفلت، ضد ارزشی خواهد شد؛ مطلوبیت خودش را از دست می‌دهد.

دولت‌ها نیز خود را موظف به تأمین آن می‌دانند. این گونه است که در اروپای غربی پس از جنگ جهانی دوم و تأمین امنیت منطقه‌ای، دولت‌های ناپایده گرفته شد و دولت‌ها به این سمت رفتند و آسایش ملت است.

راهبرد تأمین رفاه ملت از سوی دولت‌ها در جوامع غربی به گونه‌ای بوده است که برخی از معیارهای انسانی نسبت به دیگر جوامع بشری نادیده گرفته شد و دولت‌ها به این سمت رفتند که به هر شکلی شده خواسته‌های رفاهی ملت خویش را بر آورده سازند هر چند که در راستای تأمین آن، آرامش و امنیت و آسایش و رفاه دیگر ملتها و جوامع به‌ویژه جهان سومی از میان برود.

نقش فلسفه زندگی، در سبک زندگی

برای اینکه به پرسش اصلی این نوشتار یعنی تبیین رفاه ارزشی و ضد ارزشی برسیم، لازم است که به نقش فلسفه زندگی در سبک زندگی توجه پیدا کنیم؛ زیرا سبک زندگی که براساس آن سیاست‌ها و برنامه‌ها تعیین می‌شود، بر مبنای فلسفه زندگی است.

از نظر آموزه‌های قرآنی، دو نوع فلسفه زندگی است که شیوه‌ها و نیز سبک‌های زندگی متنوع و متعددی را ایجاد می‌کند:

۱.فلسفه زندگی الهی: دنیا در این فلسفه زندگی، مقدمه و پیش درآسدی برای زندگی اخروی بشر است و انسان باید آرامش و آسایش حقیقی را در آخرت و بهشت جویید پس هر کاری را که در دنیا انجام می‌دهد به قصد بهره‌گیری در آخرت است. در چنین نگرشی، انسان، حقوق و



تکلیفی دارد که باید آن را رعایت کند تا بتواند در آخرت به آرامش و آسایش ابدی برسد و خوشبختی پایا و مابایی را داشته باشد. این فلسفه زندگی موجب می‌شود که انسان برای خودش محدودیت‌هایی را در جهت گوناگون بپذیرد و از طرفی به حقوق خود توجه می‌یابد و از خود و دیگران به شکل جدی مطالبه می‌کند؛ زیرا می‌داند که تأمین و تحقق این حقوق به معنای شرایط بهتر و برتر برای رسیدن به زندگی جاودانه سعادت‌مند در آخرت است.

۲. فلسفه زندگی مادی: دنیا در این فلسفه زندگی اصالت می‌یابد؛ زیرا اعتقادی به وجود غیب و جهان‌های دیگر نیست. در این نوع تفکر

معارفMaarefKayhan@Kayhan.ir

متضاد و مقابل آشنا شدیم، می‌توانیم به این پرسش پاسخ دهیم که رفاه ارزشی براساس فلسفه مادی بستگی به خواسته‌های انسان دارد؛ چرا که هرچه انسان بخواهد همان ارزشی است؛ زیرا ملاک ارزش‌گذاری، خود انسان است. بنابراین نمی‌توان یک معیار مطلق و کاملی را شناسایی کرد که براساس آن بخواهیم امور از جمله رفاه را ارزش‌گذاری کنیم؛ زیرا انسان‌ها در هر زمان و مکان در حالات مختلف خواسته‌های گوناگونی دارند که به تبع آن ارزش‌ها نیز تغییر می‌کند. خداوند در آیات قرآن بیسان می‌کند که کافران و مشرکان به سبب همین فلسفه زندگی، به هیچ معیاری پایند نیستند و ارزش‌های آنان در هر زمانی تغییر می‌کند. از این رو آنان را در ظلمات می‌داند؛ اما کسانی که اهل ایمان هستند به سبب آنکه معیار اصلی آنان خداوند است و او

ص ۲۷۷، «رفه» لغت‌نامه، ج ۱۰، ص ۱۰۷۰۶، «رفه» و برخورداری از امکانات (فرهنگ بزرگ سخن، ج ۴، ص ۳۴۴۵، «رفه»)^(۱) امری مطلوب و خوب است. اما باید توجه داشت که این رفاه و آسایش براساس چه رفتاری تحقق می‌یابد و در چه محدودهای به کار گرفته می‌شود یا به چه هدفی تأمین می‌شود؟ در حقیقت چرایی و چگونگی تأمین رفاه مسئله اساسی از نظر اسلام است؛ زیرا اسلام از بشر می‌خواهد تا همه‌چیز زندگی خویش از کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین و کلی‌ترین امور را در چارچوب هدف آفرینش تنظیم کند.

پس باید رفاه در راستای کمال انسان و جامعه باشد و این گونه نیست که به هر شکلی این رفاه مطلوب باشد یا تأمین شود، بلکه چگونگی تأمین آن نیز بسیار مهم است؛ از این‌رو در آیات قرآن بر معیارهایی چون طیب‌بودن ذاتی و حلالیت آن

شاخصه رفاه‌زدگی و رفاه غیرارزشی

علی خدایی

را سرچشمه هر حق و حقوقی می‌دانند، در یک صراط مستقیم قرار می‌گیرند و معیارهای مشخص و معینی دارند که بر اساس آن حقوق و تکلیف، تعیین می‌شود و ارزش‌گذاری‌ها صورت می‌گیرد. بر این اساس فلسفه زندگی الهی موجب می‌شود که رفاه و آسایش مانند هر امر دیگری براساس معیارهای حق، ارزش‌گذاری شود و همه‌چیز از جمله رفاه به امری ارزشی و ضد ارزشی تقسیم گردد.

از نظر اسلام هر انسانی باید آرامش و آسایش را بجوید؛ چرا که سعادت انسان در این امور است؛ اما آرامش و آسایش ابدی در دنیا تحقق نخواهد یافت؛ زیرا هم دنیا متغیر است و هم عمر انسان کوتاه؛ پس به طور طبیعی آرامش و آسایش ابدی در دنیا دست‌یافتنی نیست؛ بلکه این سعادت را باید در آخرت جست‌وجو کرد. البته تأمین سعادت ولسو موقت و ناپایدار در دنیا در چارچوب عدالت و قوانین الهی یک راهبرد، سیاست و برنامه الهی در قالب فلسفه آفرینش انسان در دنیا و بعثت پیامبران و ارسال کتب وحیانی است. (حدید، آیه ۲۵)

به این معنا که انسان به عنوان خلیفه الهی در چارچوب قسط و عدالت و براساس آموزه‌های

از نظر اسلام هر انسانی باید آرامش و آسایش را بجوید؛ چرا که سعادت انسان در این امور است؛ اما آرامش و آسایش ابدی در دنیا تحقق نخواهد یافت؛ زیرا هم دنیا متغیر است و هم عمر انسان کوتاه؛ پس به طور طبیعی آرامش و آسایش ابدی در دنیا دست‌یافتنی نیست؛ بلکه این سعادت را باید در آخرت جست‌وجو کرد. البته تأمین سعادت ولو موقت و ناپایدار در دنیا در چارچوب عدالت و قوانین الهی یک راهبرد، سیاست و برنامه الهی در قالب فلسفه آفرینش انسان در دنیا و بعثت پیامبران و ارسال کتب وحیانی است.

عقلانی و وحیانی باید بکوشد تا سعادت را برای همگان به دست یابد؛ زیرا در این شرایط بهتر می‌توان به سمت کمالات حرکت کند و به بلوغ در آفرینش برسد. رفاه و آسایش به معنای فراخی و آسان‌شدن زندگی (لسان العرب، ج ۵،

ج) گریه‌ای که از فضیلت‌طلبی و کمال‌خواهی سرچشمه می‌گیرد؛ انسان در فقدان معلم، استاد و مربی اخلاق و بلکه بالاتر، در ارتحال پیامبر(صلی‌الله علیه و آله) یا امام(ع) اشک می‌یزد و عزاداری می‌کند. انگیزه این نوع گریه آن است که با مرگ پیشوای خود احساس می‌کند از راه کمال و رشد بازمانده و مرشد و راهنمای بزرگی را از دست داده که بدون او دستیابی به کمالات بالاتر برایش دشوار است. پس از وفات رسول خدا خلیفه اول و دوم به زیارت ام امین آمدند. پس از حضور آنان ام امین گریه کرد، خلیفه دوم گفت: چرا گریه می‌کنی؟ برای رسول خدا که در پیشگاه خداوند قرار دارد گریه معنا ندارد! امین پاسخ داد: گریه من برای کمال و رشد باطنی من نیست، بلکه گریه من به خاطر آن است که دست ما از اخبار آسمان و وحی کوتاه شده است.^(۱) از این رو این نوع گریه به نوع اول ارزش بالاتری دارد. در این نوع گریه، در واقع گریه‌کننده بر خود می‌گوید.

۴. اما به طور کلی گریه را از نظر انگیزه و دلیل، می‌توان به پنج نوع تقسیم کرد: **الف) گریه‌ای که انگیزه عقیدتی دارد:** انسان مؤمن بر این باور است که همواره در محضر خدا قرار دارد و تمام اعمال و رفتار او ضبط شده و روز قیامت خوبی‌ها و رزشتی‌های کردار و رفتار او را نیز می‌شود. توجه به گذشته تاریک و گناه‌آلود، مسلمان معتقد را به گریه وامی‌دارد تا آثار شوم گناه را از دل بزداید و خود را متحول سازد. انسان‌های کمال‌یافته و معصومان نیز از خوف و خشیت الهی، همواره اشک خوف می‌ریختند. این گریه نشانه ایمان کامل است. امام سجاده(ع) فرمود: محبوب‌ترین قطره در پیشگاه خداوند متعال، قطره اشکی است که محصلانه در تارکین شب و از ترس خدا ریخته شود.^(۲)

ب) گریه‌ای که از علاقه شادی‌های انسان به خود سرچشمه می‌گیرد و خاستگاه آن عواطف و احساسات است: خداوند متعال در وجود بشر قلب را نهاده که در رویارویی با حوادث و مصائب جانسوز، تارکین بوده است.

ب) گریه‌ای که از علاقه شادی‌های انسان به خود سرچشمه می‌گیرد و خاستگاه آن عواطف و احساسات است: خداوند متعال در وجود بشر قلب را نهاده که در رویارویی با حوادث و مصائب جانسوز، تارکین بوده است.

خود حضرت حمزه و همچنین گریه برای علی(ع) و حسین‌بن‌علی(ع) پیش از شهادت آنان و مثل گریه و عزاداری مسلمانان در شهادت‌های ائمه دین که به صورت منظومه به شهادت رسیدند. **ه) گریه و عزاداری سیاسی:** امام خمینی(ره) می‌فرماید: «زند نگذاشتن عاشورا یک مسئله بسیار مهم سیاسی- عبادی است. عزاداری کردن برای شهیددی که همه چیز را در راه اسلام داده، یک مسئله سیاسی است که مسئله‌ای است که در پیشتر انقلاب اثر سزاوار دارد. ما از این اجتماعات استفاده می‌کنیم. ما از آن‌الله اکبرها، ملت ما از آن بکنیم، باید به این مظاهر، شعائر و اموری که در اسلام به آن سفارش شده فکر کنیم که اینها یک مسئله سطحی نیستند؛ بلکه اینها یک موضوع جمع بشوند و گریه کنند، خیر. ما ملت گریه سیاسی هستیم. ما ملتی هستیم که با همین اشک‌ها سیل جریان می‌دهیم و سدهایی را که در مقابل اسلام ایستاده است، خرد می‌کنیم؛ از این دید، گریه، زبان گویای فردی است که مورد تجاوز و ستم قرار گرفته

هود، آیات ۹ و ۱۰، رعد، آیه ۳۲) و یا رفتارهایی همانند فسق و فجور (اسراء، آیه ۱۶) و مانند آن را در پیش گیرد، این رفاه ضد ارزشی خواهد بود؛ چرا که این‌ها برخلاف معیارهای الهی است که انسان براساس آن آفریده شده و به عنوان خلیفه به سوی خداوند به زمین فرستاده شده است.

رفاه‌زدگی، امر ضد ارزشی

براساس آموزه‌های قرآنی رفاه‌زدگی به سبب آنکه انسان را از خدا دور می‌کند به عنوان یک امر ضد ارزشی معرفی شده است. بنابراین اگر جامعه‌ای بخواهد رفاه‌زدگی را به عنوان یک راهبرد در دستور کار قرار دهد برخلاف فلسفه زندگی الهی و شیوه و سبک زندگی اسلامی اقدام کرده است. برخی از راهبران در جوامع اسلامی درصدد هستند که همانند اروپای غربی به رفاه برسند و جامعه را به هر شکلی‌شده رفاهی کنند. از این‌رو اصول اساسی و معیارهای اسلامی و اخلاقی را زیر پا می‌گذارند تا به این هدف برسند. چنین شیوه‌ای در مدیریت جامعه اسلامی یک آسیب و بحران جدی است.

اصولانسان آرامش و آسایش را نباید در زیادی مال و ثروت بجوید. البته تروتمندی جامعه به رشد و کمالات فردی و جمعی افراد اجتماع کمک می‌کند ولی اگر به هر شکلی این تأمین شود یا به هر شکلی مورد استفاده قرار گیرد، این موجب می‌شود که چون قارون گرفتار شویم و

از آیات و روایات بسیار به دست می‌آید که انسان نباید اصول را فدای آسایش دنیوی کند و اگر بین امنیت و آرامش، امنیت را ترجیح می‌دهد، در رفاه به اندازه‌ای تلاش کند که او را از آرامش نیندازد و آخرت را از یاد نبرد.

دین و آیین خود را از دست دهیم، رفاه و آسایش خوب است ولی نه به هر قیمتی.

از آیات و روایات بسیار به دست می‌آید که انسان نباید اصول را فدای آسایش دنیوی کند و اگر بین آرامش و آرامش، امنیت را ترجیح می‌دهد، در رفاه به اندازه‌ای تلاش کند که او را از آرامش نیندازد و آخرت را از یاد نبرد. از نظر امام صادق(ع) این‌گونه نیست که انسان را رفاه و ثروت به آرامش و راحتی برسد، بلکه آرامش قلبی را باید در جایی دیگر جست‌وجو کرد. آن حضرت می‌فرماید: *طَلِبْتُ فِرَاقَ الْقَلْبِ فَوَجَدْتُهُ فِي قَلْبِ الْعِلْمِ*؛ آرامش دل را جست‌وجو کردم و آن را در کمی مال و ثروت دیدم. (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۷۴)

به نظر می‌رسد که برخی از انسان‌ها برای رسیدن به رفاه حاضرند تا همه اصول ایمانی و اخلاقی خود دست بردارند و همه چیز را فدای آسایش دنیوی کنند؛ چنان‌که برخی از مسلمانان این‌گونه بودند و در گذشته می‌خواستند برای رفاه، دین را کنار بگذارند و مرتد شوند. (مریم، آیه ۷۷، قصص، آیت ۷۶ و ۷۷)

امروز نیز برخی از افراد جامعه بر آن هستند که برای رسیدن به رفاه و آسایش و به قول خود پیشرفت در اقتصاد و رشد و شکوفایی آن، اصول اساسی را زیر پا گذارند و به هر شکلی شده به ثروت و مال برسند و کشوری رده زده داشته باشند. البته انسان‌ها به طور طبیعی خواهان رفاه و ثروت هستند و این امر اشایی را دوست می‌دارند (فصلت، آیه ۲۹) ولی سخن این است که این رفاه و آسایش به چه قیمتی؟

باشد. در زمانی که با جباران به وسیله نیروی نظامی نمی‌توان مقابله کرد و حتی نمی‌تواند سخنی گفته شود؛ تنها سلاح گریه است که نفرت و خشم را نشان می‌دهد و با این گریه است که اظهار تنفر و بیزارزی از ستم و ستمگری آشکار می‌شود. این گریه‌ای است که مردم را نسبت به ستمگران بیدار می‌کند. شاهد این شیوه را در زندگی امام‌زین‌العابدین(ع) می‌توان دید. آن حضرت بیست سال در حال ماتم و گریه بود و این حزن و غم آرامش تأثیر فراوانی در بیداری مردم داشت؛ چراکه با زبان رفتار از عظمت قیام عاشورا و شدت ظلمی که بر اهل‌بیت پیامبر رفته بود حکایت می‌کرد و از تبلیغات دروغین نیز برده برمی‌داشت.

نقش الگوسازی مجالس عزاداری

۵. علاوه بر مطلب فوق برای گریه بر اهل‌بیت(ع) نکاتی وجود دارد که می‌توان در امور ذیل، آنها را خلاصه کرد: قرآن و روایات، دوستی خاندان رسول اکرم را بر مسلمانان واجب کرده است.^(۱) روشن است که دوستی لوازمی دارد و محب صادق، کسی است که شرط دوستی را- چنان‌که باید و شاید- به‌جا آورد.

نکاتی وجود دارد که می‌توان در امور ذیل، آنها را خلاصه کرد: قرآن و روایات، دوستی خاندان رسول اکرم را بر مسلمانان واجب کرده است.^(۱) روشن است که دوستی لوازمی دارد و محب صادق، کسی است که شرط دوستی را- چنان‌که باید و شاید- به‌جا آورد.

نکاتی وجود دارد که می‌توان در امور ذیل، آنها را خلاصه کرد: قرآن و روایات، دوستی خاندان رسول اکرم را بر مسلمانان واجب کرده است.^(۱) روشن است که دوستی لوازمی دارد و محب صادق، کسی است که شرط دوستی را- چنان‌که باید و شاید- به‌جا آورد.

نکاتی وجود دارد که می‌توان در امور ذیل، آنها را خلاصه کرد: قرآن و روایات، دوستی خاندان رسول اکرم را بر مسلمانان واجب کرده است.^(۱) روشن است که دوستی لوازمی دارد و محب صادق، کسی است که شرط دوستی را- چنان‌که باید و شاید- به‌جا آورد.

نکاتی وجود دارد که می‌توان در امور ذیل، آنها را خلاصه کرد: قرآن و روایات، دوستی خاندان رسول اکرم را بر مسلمانان واجب کرده است.^(۱) روشن است که دوستی لوازمی دارد و محب صادق، کسی است که شرط دوستی را- چنان‌که باید و شاید- به‌جا آورد.

نکاتی وجود دارد که می‌توان در امور ذیل، آنها را خلاصه کرد: قرآن و روایات، دوستی خاندان رسول اکرم را بر مسلمانان واجب کرده است.^(۱) روشن است که دوستی لوازمی دارد و محب صادق، کسی است که شرط دوستی را- چنان‌که باید و شاید- به‌جا آورد.

نکاتی وجود دارد که می‌توان در امور ذیل، آنها را خلاصه کرد: قرآن و روایات، دوستی خاندان رسول اکرم را بر مسلمانان واجب کرده است.^(۱) روشن است که دوستی لوازمی دارد و محب صادق، کسی است که شرط دوستی را- چنان‌که باید و شاید- به‌جا آورد.

نکاتی وجود دارد که می‌توان در امور ذیل، آنها را خلاصه کرد: قرآن و روایات، دوستی خاندان رسول اکرم را بر مسلمانان واجب کرده است.^(۱) روشن است که دوستی لوازمی دارد و محب صادق، کسی است که شرط دوستی را- چنان‌که باید و شاید- به‌جا آورد.

صفحه ۷

شنبه ۴ مرداد ۱۴۰۴

اول صفر ۱۴۴۷ - شماره ۲۳۹۱۴



آثار حسن رفتار با مردم

قال الامام علی(ع): «من سالم الناس كثر اصدقاؤه و قل اعداؤه».

امام علی(ع) فرمود: کسی که با مردم به سلامت رفتار کند، دوستانش زیاد و دشمنانش کم می‌شوند.^(۱)

۱- فهرست موضوعی غرر و درآمدی، ج ۷، ص ۱۶۶



مراتب ایمان و لزوم تحمل‌پذیری

مردی نزد امام صادق(ع) عرض کرد: ما از فلان گروه از مردم بیزاریم، زیرا به آنچه که ما عقیده داریم، عقیده ندارند. امام صادق(ع) فرمودند: ما هم عقایدی داریم که شما ندارید، پس آیا سزاوار است که ما هم از شما بیزار شویم؟ نزد خادم حقیقی هست که نزد مناست، گمان داری خدا ما را دور می‌اندازد؟ آنها را دوست دارید و از آنها بیزار می‌جوید، زیرا برخی از مسلمانان یک سهم، و برخی دو سهم، و برخی سه، برخی چهار، برخی پنج، برخی شش، و برخی هفت سهم از ایمان را دارند. پس سزاوار نیست که صاحب یک سهم را بر آنچه صاحب دو سهم دارد مجبور کنند، و نه صاحب دو سهم بر آنچه صاحب سه سهم دارد و الی آخر (یعنی از مقدار استعداد و طاق‌ت هر کس بیشتر نباید متوقع بود).^(۱)

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۲



التزام عملی به ارزش‌ها و آثار سازنده آن(۲)

پرشش:

از منظر آموزه‌های وحیانی اسلام، **جامعه و کسانی که به ارزش‌های متعالی الهی التزام عملی پیدا می‌کنند و در سلوک و رفتار فردی و اجتماعی خود متجلی می‌سازند، چه پیامدها و آثار مثبت و سازنده‌ای پیدا خواهند کرد؟**

پرشش:

در بخش نخست پاسخ به این سوال به مباحثی همچون: هدف‌های غایی شامل: هفت هدف و آثار و نتایج التزام به ارزش‌ها شامل: خروج از ظلمت و کسب تقوا پرداختیم. اینک در ادامه دنباله مطلب را پی می‌گیریم.

۳- هدایت قلبی و قدرت تشخیص حق از باطل

«وهرکس که به خدا ایمان بیساور، دلش را هدایت می‌کند، و خداوند بر هرچیزی دانا است» (تغابن- ۱۱)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر تقوای الهی را پیشه خود کنید، برای شما (نیروی) تشخیص (حق از باطل) قرار می‌دهد»(انفال- ۲۹)

۴- دریافت رافت و رحمت قلبی و ویژه

«و در دل‌های کسانی که از او پیروی کردند، رافت و رحمت نهادیم» (حدید- ۲۷) «و اما کسانی که به خدا ایمان آوردند، و با او تمسک جستند، به زودی (خداوند) آنان را در جوار رحمت و فضلی از جانب خودش درآورد، و ایشان را به سوی خود، به راهی راست هدایت کند» (تساء- ۱۷۵)

۵- دریافت سکینه و آرامش روحی و زوال خوف و حزن

«آنگاه خدا آرامش خود را بر فرستاده خود و بر مؤمنان فرود آورد، و سیاهانی فرو فرستاد که آنها را نمی‌دیدید» (توبه- ۲۶)

می‌شوند» (یونس- ۶۲)

۶- رفعت مقام

«تا خدا (رتبه) کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندند (بر حسب) درجات بلند گرداند» (مجادله- ۱۱)

۷- عزت‌یابی

«هرکس سربلندی می‌خواهد، سربلندی یکسره از آن خداست» (فاطر- ۱۰)

۸- برتری و سیادت

«و اگر مؤمنند، سستی نکنید و غمگین مشوید که شما برترید» (آل عمران- ۱۳۹)

۹- آسان شدن سختی‌ها و نجات از مشکلات و گشایش امور

«ها آنکه (حق خدا را) داد و تقوا پیشه کرد و پاداش (نیکوتر) را تصدیق کرد، به زودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت» (لیل- ۷۰۵) «بسیار فرستادگان خود و کسانی را که گرویدند می‌راهیم، زیرا بر ما فربه‌ای است که مؤمنان را نجات دهیم» (یونس- ۱۰۳) «و هرکس تقوای خدا را پیشه کند، (خدا) برای او راه برونی‌فرا قرار می‌دهد و از آن جایی که گمان نمی‌کند به او روزی می‌رساند» (طلاق- ۲ و ۳)

۱۰- ماندگاری نام نیک در جامعه

«و از رحمت خویش به آنان ارزانی داشتیم، و ذکر خیر بلندی برایشان قرار دادیم» (مریم- ۵۰)

۱۱- محبت‌یابی در دل‌ها

«کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به‌زودی (خدا)ی رحمان برای آنان محبتی (در دل‌ها) قرار می‌دهد» (مریم- ۹۶)

۱۲- افزایش قدرت مقابله با دشمنان

«اگر از میان شما بیست تن صابر و شکیبا باشند، بر دوست تن چیره می‌شوند، و اگر از شما یکصد تن (صابر و شکیبا) باشند بر هزار تن از کافران پیروز می‌گردند، چراکه آنان قومی‌اند که نمی‌فهمند (انفال- ۶۵)

۱۳- نیل به نتیجه‌ها و پاداش‌های ویژه

«و اگر (مردم) در راه درست، پایداری و استقامت بورزند، قطعاً آب گوارایی به ایشان می‌نوشانیم» (جن- ۱۶)

(ادامه دارد)



دلیل عدم آرامش مرفیین

«علت این بی‌قراری و پژمردگی (مرفهین) چیست؟ نمی‌دانند، می‌بینند همه‌چیز و همه وسایل زندگی را دارند و در عین حال از زندگی خشنود نیستند، این‌گونه اشخاص باید بدانند که قطعاً احتیاجاتی معنوی دارند که برآورده نشده، قطعاً کم و کسری در روح آنها وجود دارد. بالاخره باید اعتراف کنند و تسلیم شوند به این حقیقت که ایمان هم یکی از حوائج فطری و تکوینی ما است و بلکه بالاترین حاجت ما است و هر وقت به سرچشمه ایمان و معنا رسیده‌ایم و نور خدا را مشاهده کردیم و خدا را در معراج خود دیدیم و مشاهده کردیم، آن‌وقت است که روح سعادت و لذت و بهجت را درک می‌کنیم.»^(۱)

۱- حکمت‌ها و اندرزه‌ها، شهید مرتضی مطهری(ره)، ج ۵، ص ۲۷